

جامعه‌شناسی دین؛ مردم‌شناسی جادو

● علیرضا شجاعی زند

مختار و ترکیب و جمع بندی سامان دهنده ای از دیدگاه های ارائه شده منجر نگردیده است .

۲- کتاب به موضوع دین و جادو به طور توامان نظر دارد و در واقع مضمون آن جامعه‌شناسی دین به تنهایی نیست ؛ بلکه جامعه‌شناسی جادو(۲) را نیز دربر می‌گیرد. همیلتون اگرچه به تفکیک و تمایز میان این دو موضوع قائل است و در جای جای کتاب نیز بر آن تاکید می‌شود؛ لیکن تقریباً هیچ فصلی را بدون اظهار نظر راجع به هر دو موضوع به پایان نبرده است . همین تاکید و اصرار بر هم پایه قرار دادن جادو و دین باعث گردیده است که صیغه مردم‌شناسانه کتاب افزایش یابد و مضمون کلاسیک آن تقویت گردد.

۳- نقصان دیگری که در این کتاب مانند بسیاری از متون دیگر جامعه‌شناسی دین به چشم می‌خورد و از ضعف های جاری در مطالعات دین پژوهی ، خصوصاً در جامعه‌شناسی دین است ، قوم محورانه بودن نظریه ها و حتی فصل بندی و موضوعات مندرج در کتاب می باشد. غلبه سنت مسیحی . غربی بر ادبیات فراهم آمده در حوزه جامعه‌شناسی دین از جمله آسیب های مسلمی است که این حوزه علمی را تهدید می کند و اکثریت جامعه شناسان نیز بدان اذعان دارند و از این بابت اظهار نگرانی کرده اند. این ویژگی در کتاب حاضر نیز به وضوح خودنمایی می کند؛ به طوریکه جز در مواردی اندک ، مباحث و موضوعات آن به ادیان بزرگ تاریخ ، نظیر اسلام ، یهودیت ، هندوئیسم و ... تسری پیدا نکرده است و هیچ رهاوردی را در این باره به ارمغان نیاورده است . همیلتون ضمن پرهیز از هرگونه استناد چسبنده به ادیان غیر مسیحی ، از هرگونه مقایسه و مقارنه ای در این باره نیز خودداری نموده است . البته وجهه غالب مردم شناختی کتاب ، مانع از تسری این کوتاهی و قصور در حق ادیان ابتدایی گردیده است .

۴- ترکیب و فصل بندی محتوای کتب جامعه‌شناسی دین معمولاً از سه صورت خارج نیست : یا حاوی یک متن کاملاً نظری می باشند و صرفاً به طرح نظریه های تبیینی موجود درباره دین و نقد و مقایسه آنها می پردازند و یا به موضوعات مطرح در این حوزه و بیان مسائل و تشریح و نقد

کتاب جامعه‌شناسی دین تالیف مالکم همیلتون استاد دانشگاه ایدینگ با ترجمه خوب و روان(۱) جناب آقای ثلاثی ، ارمغان ارزشمندی است برای مشتاقان ودانشجویان این حوزه که سال هاست از فقدان یک متن درسی منون ، اعم از تالیف یا ترجمه به زبان فارسی درتعب می باشند. قبل از این کتاب ، یکی دو متن دیگر باعنوان های جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی ادیان به بازار کتاب عرضه شده است ؛ لیکن یا عنوان های بی‌مسمایی بوده‌اند و یا به لحاظ محتوایی اقناع کننده بشمار نمی‌رفتند. لذا بی اغراق می توان گفت که کتاب مذکور نخستین متن قابل اعتنا در حوزه جامعه‌شناسی دین در کشور ما است و از این جهت لازم است به حسن انتخاب مترجم و ناشر آن تبریک گفت و بابت تشخیص بجای نیاز جامعه علمی و دانشگاهی کشور از آنها تقدیر کرد.

جامعه‌شناسی دین از جمله حوزه هایی است که به رغم آثار و دستاوردهای گرانسنگ آن در کشورهای پیشرو و گردآمین ادبیات قابل توجهی درباره آن در آن سامان ، هنوز جایگاه و موقعیت مناسب خود را در کشور ما بدست نیاورده است و با تمام اهمیتی که موضوع ومولفه دین در این جامعه دارد و توجهات فراوانی که به تبع این واقعیت به سوی مطالعات دین پژوهی جلب گردیده است ، هنوز یک حوزه ناآشنا و نسبتاً مغفول مانده محسوب می شود. امید است که این قبیل تالیفات بتواند ضمن گشودن این راه نارفته ، التفات افزون تری را در طالبان راسخ و پرسش گران کوشا پدیدآورد.

اما آنچه که درباره خود کتاب می‌توان گفت ، جا دارد قبل از معرفی تفصیلی کتاب ، ارزیابی و نظر خویش را به عنوان دانشجوی علاقمند و درگیر با این موضوع عرضه نمایم که خود نوعی معرفی نقادانه و البته موجز نیز از این اثر خواهد بود.

۱- کتاب حاضر در واقع بازخوانی نظریات متفکرین کلاسیک و برخی از دین پژوهان متاخر و معاصر در دو حوزه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی دین است . در ادامه فصولی که به طرح نظریات این اندیشمندان دین شناس پرداخته شده است ، انتقادات و ایرادات وارد بر این آراء نیز مطرح گردیده است ؛ لیکن این بررسی ونقادی ها لزوماً به ارائه یک نظریه



- جامعه‌شناسی دین
- مالکم همیلتون
- محسن ثلاثی
- نشر تبیان



با تمام اهمیتی که موضوع و مولفه دین در جامعه ما دارد و توجهات فراوانی که به سوی مطالعات دین پژوهی جلب شده است، این حوزه را همچنان باید ناآشنا و نسبتاً مغفول به شمار آورد

تاکید و اصرار بر هم پایه قرار دادن جادو و دین، در عین تاکید بر تفکیک و تمایز میان این دو، صبغه مردم شناسانه کتاب را افزایش داده و مضمون کلاسیک آن را تقویت کرده است

کتاب همیلتون به رغم کاستی ها و سوگیریهای آن، نخستین متن قابل اعتنا در حوزه جامعه شناسی دین است و اثر ارزشمندی است که با توجه به خلا موجود و زمان کوتاهی که از تالیف آن گذشته است، می تواند به عنوان یک مرجع درسی در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد



۲) گونه گونی و تنوع عقاید و اعمال مذهبی چه علت یا علی دارد؟

در این فصل ضمن بررسی رویکردهای مختلف که درباره امکان شکل گیری جامعه شناسی دین تردید رواداشته اند، راه هایی برای برون شد از این تردیدها مطرح گردیده است. تمامی تلاش همیلتون در این بحث، حفظ مسیر حرکت در میانه دو رویکرد تقلیل گرایانه اثباتی که با موضع انکار گرایانه نسبت به دین به داوری می نشیند و کسانی که همدلانه به بررسی دین نشسته و آن را حقیقتی فی نفسه می پندارند، می باشد. همیلتون در این فصل به بحث تعریف دین و دشواری های موجود بر سر راه آن نیز می پردازد.

فصل دوم کتاب تحت عنوان عقل و دین به بررسی پیرامون نظریات عقل گرایانه در حوزه روانشناسی می پردازد. همیلتون معتقد است که نظریه های روانشناختی عقل گرایانه درباره دین از سرچشمه های خرد بشری می جوشد و به لحاظ تاریخی بر رهیافت عاطفه گرایانه سبقت دارند. این رهیافت ریشه در اندیشه های روشن اندیشان قرن ۱۸ داشته و شاخص ترین چهره های کلاسیک آن اسپنسر، تایلر و فریزر بوده اند. بقیه فصل به طرح نظریات این متفکرین درباره ریشه های باور دینی اختصاص دارد.

فصل سوم کتاب تحت عنوان جادو، به بررسی نظریه نو تایلری ها درباره جادو اختصاص دارد. در همین فصل است که همیلتون به ارائه تفصیلی نظرات مالینوفسکی و ویلیام گود در بیان وجوه ممیزه دین و جادو می پردازد. این فصل ضمن بررسی تفصیلی نظریه عقل گرایان درباره جادو، به طرح نظریات نمادگرایان و مقایسه آن با عقل گرایان نیز می پردازد. پس از فصول دوم و سوم که به طرح نظریات عقل گرایان درباره دین و جادو اختصاص داشت، فصل چهارم رهیافت عاطفه گرایانه را درباره دین و جادو مورد بررسی و نقد قرار می دهد. این فصل تماماً به معرفی نظریات مارت و مالینوفسکی از میان مردم شناسان و فروید و یونگ از میان روانشناسان اختصاص دارد و در عین حال نظریات یک نوفرویدی به نام ملفورد اسپرو نیز مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

مطالعات میدانی اهتمام می نمایند و یا اینکه هر دو الگو را در دو بخش متمایز در یک مجموعه گرد آورده اند. کتاب حاضر ضمن استفاده از الگوی سوم، فصل بندی در هم ریخته ای از مباحث «نظری» و «موضوعات» را بدون هرگونه نظم و ترتیب قابل درکی ارائه کرده است. در ادامه که به معرفی تفصیلی محتوای فصول کتاب خواهیم پرداخت، به این نقیصه توجه بیشتری خواهیم داشت.

کتاب «جامعه شناسی دین» حاوی هیچده فصل است که بجز دو فصل ابتدایی و انتهایی که به پاسخ سوال جامعه شناسی دین چیست؟ و نتیجه گیری پرداخته است، بقیه فصول آن به طرح نظریه ها و بررسی موضوعات جامعه شناسی دین اختصاص دارد. فصول دوم، سوم، چهارم، ششم، هشتم، نهم، دهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و شانزدهم به طرح و نقد نظریات مردم شناسان، روان شناسان و جامعه شناسان، اعم از کلاسیک و معاصر اختصاص دارد و فصول هفتم، یازدهم، پانزدهم و هفدهم به بررسی پنج موضوع مورد توجه جامعه شناسان دین یعنی هزاره گرایی، تابو و مناسک، دنیاگرایی و گونه شناسی تشکیل های دینی پرداخته است. فصل پنجم نیز تنها فصلی است که خارج از چارچوبه نظری - موضوعی کتاب، به معرفی یکی از ادیان جهانی، یعنی بودیسم و بررسی نظریات مختلف پیرامون آن اختصاص یافته است. پنج فصل مذکور که متفاوت از فصول دیگر به موضوعات و نه نظریه ها پرداخته اند، در واقع پرانتزهای طولانی شده و شاخه های فرعی بحث هایی می باشند که در فصل ماقبل بدان اشارت رفته است و خود به موضوع مطولی که یک فصل را به خود اختصاص داده اند، بدل شده اند. در ذیل تلاش خواهد شد که با مروری سریع، محتوای مندرج در این فصول به نحو اجمال معرفی شوند:

همیلتون در فصل نخست در پاسخ به سوال جامعه شناسی دین چیست؟ می گوید که جامعه شناسی دین به دو سوال اساسی پاسخ می گوید:

۱) نقش باورداشت ها و عملکردهای مذهبی در شکل دهی به جامعه و فرهنگ چیست؟

کار اسپرو درباره بودیسم بهانه ای بوده است برای همیلتون که در ادامه طرح نظریات او، فصل مستقلی را به این موضوع اختصاص دهد.

در فصل پنجم پس از معرفی اجمالی اصلی ترین عقاید بودیسم و مقایسه دو شاخه «نی بانیک» و «کارمای» که اولی دین نخبگان و فرهیختگان بودایی و دومی دین عوام است، به معرفی بودیسم کارمای مردمان برمه که صورتی دنیوی تر و تعدیل یافته از بودیسم نخستین است، می پردازد و در خاتمه، انتقادات وارد شده بر نظریات و برداشت های اسپرو درباره بودیسم مطرح می گردد.

نظریات مارکس درباره دین بحثی است که در فصل ششم تحت عنوان دین و ایدئولوژی دنبال می گردد. همیلتون معتقد است که مکتوبات مارکس درباره دین رانمی توان نظریات دقیق و مشخص این متفکر راجع به دین قلمداد کرد؛ زیرا که این نظریات به منظور تئوری پردازی درباره طبقات اجتماعی و مفهوم از خود بیگانگی ارائه گردیده اند و لذا یک اهتمام جدی و بالاستقلال به موضوع دین محسوب نمی شود.

فصل هفتم پرانتز بلندی است در میانه فصولی که به طرح نظریات مختلف درباره دین می پردازد. هزاره گرایی موضوع همین فصل کتاب است که به تبع اشاره ای که در فصل ماقبل به این مفهوم رفته است، باب آن در این بخش از کتاب گشوده شده است. محتوای این فصل عمدتاً به طرح نظریات انگلس درباره علل و عوامل پیدایش جنبش های هزاره ای، خصوصاً درستری های دینی اختصاص یافته است و در حواشی نیز به طرح انتقادات وارد بر آن می پردازد. همیلتون معتقد است که تحلیل وورزی از جنبش های هزاره ای و انواع آن پیچیده تر و مستندتر از کار انگلس است و به نحو شایسته تری می تواند این پدیده را تبیین نماید.

فصل هشتم مجدداً بازگشتی است به معرفی مهمترین رهیافت های نظری در جامعه شناسی دین. این فصل که تحت عنوان دین و همبستگی آورده شده است، آرای دورکیم را درباره دین مورد بررسی قرار می دهد و پیش از آن به طرح نظریات مردم شناس تاثیر گذار بر آرای دورکیم، یعنی



همیلتون ضمن پرهیز از هرگونه استنادجستن به ادیان غیرمسیحی، از هرگونه مقایسه و مقارنه ای در این باره نیز خودداری نموده است

کتاب حاضر، ضمن طرح «نظریه های تبیینی» موجود درباره دین و نقد و مقایسه آن‌ها به بیان و تشریح موضوعات مهم این حوزه مانند هزاره گرایی، تابو و مناسک، دنیاگرایی و گونه شناسی تشکل های دینی نیز می پردازد



رابرتسون اسمیت می پردازد. در همین فصل است که همیلتون انتقادات سختی را از سوی خود و ایونس پریچارد بر آرای دورکیم وارد می سازد.

فصل نهم بررسی نتایج کار سوانسون است که تلاش کرده است نظریات دورکیم را به آزمون تجربی گذارد. فصول بعدی تا فصل دوازده تماما به طرح نظریات کارکردگرایان اختصاص دارد. اگر فصل هشت و نه را نیز بنام بیافزاییم، باید اذعان کرد که این رهیافت بیشترین سهم از حجم کتاب (قریب به یک پنجم) را به خود اختصاص داده است. در فصل های دهم و یازدهم نظریات کارکردگرایی از سه حوزه مردم شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی، همچون رادکلیف براون، کینگزلی دوپس، بینگر، ادی، هالینوفسکی، فروید و چهره های جدیدتری چون ون گنپ، داگلس و... مطرح و مورد نقد قرار گرفته است.

فصول دوازدهم و سیزدهم کتاب اختصاص به بررسی دیدگاه های وپردارد که تحت عنوان «دین و عقلانیت» و «اخلاق

پروتستانی» آورده شده است. بحث با معرفی ایده خاص وبرکه کارکرد اصلی دین را «معنابخشی» به زندگی عنوان کرده است، آغاز می شود و سپس به طرح دیدگاه های او درباره دین و جادو می پردازد. همیلتون در فصل دوازدهم مروری بر بحث های وپر درباره فرایند ویرشده های شکل گیری کهنات در ادیان، پیامبران فرهمند، نسبت میان افکار، آرمان ها و منافع و بالاخره عقلانیت و نقش و تاثیر آن در دین دارد. فصل سیزدهم کتاب در واقع بازخوانی آرای وپر درباره اخلاق پروتستانی و تلاش برای رفع سوء برداشتها درباره آن است. گرایش نظری همیلتون به سمت نمادگرایان و نظریه «معنا» در تبیین دین است. لذا در بحث های جاری در دو فصل قبل، خصوصا فصل چهاردهم که به طرح نظریات گیرتس، پیتر برگر و لاکمن می پردازد، سازگاری و همراهی خویش را نشان داده است. او معتقد است که این رهیافت موفق شده است که میان نظریات عقل گرا و عاطفه گرا در حوزه روانشناسی و نظریات جامعه شناختی، تفاهم و نزدیکی برقرار سازد.

فصل پانزدهم کتاب یکی از مفصل ترین فصل های کتاب است که در عین حال حاوی مهمترین و جدیدترین مباحث مطرح شده پیرامون موضوع آن، یعنی «عرفی شدن» (۳) می باشد. این فصل که به اعتقاد بنده قوی ترین فصل کتاب است، به معرفی نظریات مختلف راجع به فرایند دنیاگرایی پرداخته و خصوصا به نظریاتی که در سیر خطی و اجتناب ناپذیر آن تردید روا داشته و به فرایندهای معکوس و مسیرهای گوناگون برای آن می اندیشند، اشارات مفصلی نموده است.

فصل شانزدهم بازگشت به نظریه های مطرح در جامعه شناسی دین است. در این فصل نظریات استارک و بین بریج، دو نظریه پرداز معاصر که در چارچوب رهیافت مبادل (جبران) به تبیین دین پرداخته اند، مطرح و به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. بر اساس این نظریه، دین کوششی است برای برآوردن آرزوها و به دست آوردن پاداش هایی که از طرق دیگر میسر نگردیده است.

فصل هفدهم کتاب مجددا به طرح و بررسی یکی از موضوعات مورد علاقه جامعه شناسان دین، یعنی «گونه شناسی تشکل های دینی» می پردازد و با گذر از دسته بندی دوگانه وپر و تکمیل آن با گونه شناسی سه گانه ترولتج، به طرح نظریات اخلاف ایشان که تلاش هایی را برای تکمیل این

بحث ها به عمل آورده اند، می پردازد و آراء کسانی چون نیبر، لسیتون پاپ، همیلتون بینگر، مارتین، برایان ویلسون و رابرتسون را مورد نقد و بررسی قرار می دهد و بالاخره این فصل را با بحث های استارک و بین بریج درباره فرقه و کیش های نوپدید و همچنین بحث هایی درباره علل پیدایش جنبش های نوپدید مذهبی در غرب، در فاصله سال های دهه ۶۰ و ۷۰ به پایان می رساند.

فصل انتهایی کتاب به جمع بندی و نتیجه گیری بسیار موجزی از کل نظریات ارائه شده اختصاص دارد و در آن همیلتون مجددا گرایش نظری خویش را به رویکرد معنا ابراز داشته است.

قطعا کتاب همیلتون به رغم تمامی کاستی ها و سوگیری های آن، اثر ارزشمندی است که با توجه به خلاء موجود و زمان کوتاهی که از تألیف آن گذشته است، می تواند به عنوان یکی از کتب مرجع و درسی در حوزه جامعه شناسی دین مورد استناد و استفاده اساتید فن قرار گیرد. البته حفظ استقلال نظر و داشتن رویکرد نقادانه نسبت به آن، همانند هر متن نظری و علمی دیگر، موضع مناسب و مواجهه لازمی است که خواننده این قبیل متون باید در پیش گیرد تا از درافتن در جهت گیری های ناصواب آنها در امان بماند.

پانویست ها:

(۱) هر چند سلاست و روانی ترجمه جای تقدیر دارد، اما در انتقال مفاهیم و اصطلاحات فنی تر متن، نقصانهایی به چشم می خورد که مورد ایراد برخی از متخصصین دین پژوه نیز قرار گرفته است. خوب است ناشر و مترجم محترم اصلاحات لازم را در چاپ های بعدی کتاب به عمل آورند.

(۲) با توجه به اینکه مفهوم «جادو» عمدتا برای جوامع ابتدایی موضوعیت دارد و رشته ای که احوالات این قبیل جوامع را مورد مطالعه قرار می دهد «مردم شناسی» است؛ شاید به کار بردن «مردم شناسی جادو» مناسبتر از «جامعه شناسی جادو» باشد.

(۳) مترجم محترم در برابر لغت Secularization «دنیاگرایی» را قرار داده است که مناسب به نظر نمی آید. معمولا پسوند «...گرای» در مواردی بکار می رود که معادل انگلیسی آن با اسم ختم شده باشد. مناسب و رایج ترین معادل برای لغاتی که با اسم همراه هستند، کلماتی است که با مصدر «شدن» ترکیب می شوند لذا «عرفی شدن» «دنیوی شدن» و یا «غیردینی شدن» معادل های نزدیک تری برای Secularization که اشاره به یک فرایند دارد، می باشد.